

صاحب امتیاز:

اسدالله شهابی

مدیر: ۲۰۲ رجبی

جای اداره: چهارباغ

داخل پاساژ گلرودی

تک شماره یک ریال

سال اول



تاریخ: شنبه ۲۰ آذرماه ۱۳۲۰

کلمات بزرگان

بنی آدم اعضای یکدیگرند

\*\*\*

ایندال اجتماعی ضامن بقایه کشور است

\*\*\*

ارزش هر کس بسته به خدمتی است

نسبت با افراد جامعه انجام میدهد

\*\*\*

شکرانه بازی تو، بگریه دست

ناتوان است

شماره اول

# انتخابات آزاد رکن اساسی دموکراسی است

## بحث سیاسی

### تاریخ بامیر اطوری انگلیس

فرمانت عقب گرد میدهد  
زمانی بود که آنتاب و امیر اطوری انگلیس غروب نیکره  
ولی آن روز هم نزدیک است که آنتاب در امیر اطوری شکست  
طلوع نکند - زیرا مملکت است چپه فاسد استعمار بنگل سرده  
شده و آفتاب تا بان فود را جزیره ای خواهد نایب که ق  
امیر اطوری زنده بگردد است - و برخاستن آفتابهای ف  
مردمی زندگی می کنند و ای حقانی نظیر ملل ممالک  
و مراکش .

## آیا تشکیل «بلوک سوم»

نزدیک است؟

تنها اتحاد ملل در پی زمینه سازی صلح است

قرن خون ریزی

مردم از قرن بیستم توقع زیادی داشتند ، قرن بیستم  
را با ترقی و تعالی با تجدید و اصلاح طلبی ، با رفاه و مساوات ، با  
پیشرفت در تکامل تمدن مترادف میدانستند و حق هم همین بود .  
حق این بود که تنها ملل سریع اختراعات و اکتشافات تلخ روز  
افزون علم و صنعت و هنر ، در پیچه جدیدی از فرهنگ و صلح و آ  
بروی بشر باز کنند ولی متأسفانه این قرن عصر خون ریزی  
کشکش شد ، نه دروان صلح و ترقی .

بقیه در صفحه ۴

## ایمان به نیروی ملی

استاد و استاد ، وقتی  
در کشور ما بهم نزدیک شد و  
پیوسته مزاحمت بشنود و زنی بوجود  
آوردند که باید ( ملت و ملیان )  
نایب شده این برای شود و خانه ها  
این مولود تا پاک در کمال وضوح  
همه با ایمان است اگر دو این  
بارزه نریدند قادر به غلبه و افکار  
و گردار هر کدام را بر رسی کنند  
و نتیجه را با کمال بیطرفی مورد  
وقت قرار دهند ، امروز دو باره  
سیاست مرمی کشور چنانچه موجود  
است -

۱ - بیست حاکم و اعضای  
و فادار و خیانتکار ( هزار فانیل )  
مقدمه داره باید برای ( لاجت و مان )  
بیان کفری ملل شد و گورو گروانه  
خود را در دامان خداوندان زور  
زور افراشته و چهره ملل روشن  
باستانی ارائه داد ، بقیه در صفحه ۴

اما دستهای خارجی که بیکه مشروطه طلبان دیو استبداد را کوبیده بود ،  
شکست و تضح مشروطیت تمایلی نداشت حتی از آن هراسناک بودند و مدانست  
که اگر این نهضت مقصد اوج گیرد ؛ زووه سیکانکن را در گاوخته  
خواهد کرد . چپه استبداد که خود را در تیرش هجوم نهضت ملی میدید  
و شکست خود را معزز میدانست لشکر خود را زها کرد و آزادی خواهان  
پیوسته برای اسلم بلکه برای افود دو چپه جدید و ادامه سیاهکاری  
و دذات دیرین خود در پشت پرده مشروطیت و آزادی ؛ برای آلودن نهضت  
تجک بخش ملی و برای پیش بردن مقاصد شوم و پلید خود ، در این شراب  
بود که یکی از ناظرین خارجی نوشت « در این انقلاب به شاه نهیب چه  
ارذست داد و نه ملت نهیب چه گرفت » « چپه از آزادی ایران و اقرا  
شرق و بالاخره ملت شهزاد سالیسی از شش هزار سال استبداد ، عرف  
و سیاه اجازه داده شد نایبندگان خود را برای شور و مسائل سیاسی  
و مملکتی « اسلمی بفرستد . اجازه دهندگان مصلحتی بودند مرکز در  
این مجلس نایبندگان حقینی ملت جمع نخواهند شد زیرا چپه جدید آزادی  
از جاسوسان ؛ کینه پرستان ؛ مستبدین سرشناس و دشمنان معنی و معانی  
مشروطیت ملو بود . اجازه دهندگان اگر این موضوع را ثابت نمیدانستند  
مرکز باین صیوات چنین امر غلطی را « تجویر » نمی کردند . اما احباب  
دشمنان ملت صد دوسه دوست دوزیاند - آنها تصور میکردند ملتی که  
تازه زنجیر های کین را از هم گسیخته و برای انقلاب تمام قوای خود را  
سرف کرده است نیروی کافی در مواقع انتخابات نخواهد داشت و چپه

از: ایر	درو	بلشویان وادی قیل
رسوئی گسائی که بیکه اند	قبود رؤسائی و پیشه ستم	پس از جنبش ستم دکت الم
کسانی که بگونه بسته اند	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم
رسوئی گسائی که در راه صلح	قدیمای معکم ز تند و متین	پس از جنبش ستم دکت الم
کسانی که اندر شاگاه صلح	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم
رسوئی گسائی که بر خاسته	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم
مقتل حق دیرین خود خواسته	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم
رسوئی گسائی که شکسته اند	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم
بدانها که از شدگی دست اند	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم
بدانها که طلبان امراج بین	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم
لها در سر خصم دو پای پیل	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم
بدان خاله خوینی یا قوت نام	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم
به جیکا ورن دلان سلام	پس از جنبش ستم دکت الم	پس از جنبش ستم دکت الم

## دموکراسی چیست؟

فرن پیش مردم حکومتی حکومت  
مطلوبه میشاخته تاریخ ملل در دول  
پادشاهی هر چه باشد در استبداد  
حکومت و شورائی فرمانروا پادشاه  
مستزک است شاهنشاهان ایران  
باستان و فراتر مصر و سلاطین گنده  
و آشور و خاقانی چین لدری  
ماوراءالنهر خودمیشناختند و رجب  
موقبت و زمان هیچکس مستزکی  
جوانی بخاطر نظیر نیاده مردم  
عنصر مستزک دولت و مستزک حکومت  
را نیافته و فرمانش شاه فرمان  
بزدان بود

در ظلمت مغرب و دشت انگیز  
استبداد ، پس از قتلها تحمل زور  
و فشار ؛ در آسمان تاوله ایران  
برای رشید و قلوبیخ و دود و چپه ای  
نظار کشیده رامتوجه خرد ساخت  
عنایر عکس المصلای شد استبداد  
میان مرمی و کله خارجی مشروطیت  
ایران به وجود آمده ، ولی این  
کلی نبود می باید آزادی نواد  
دورن پایه و براف تکامل و ود

## گفتار هفته

با انتشار این شماره  
( امید و آرزو ) قدم به عالم  
مطبوعات میگذارم .  
در کشور ما و مخصوصاً غیر  
مسلیمان ، با وجود کثرت مطبوعات  
باز روزنامه ای که با طرح و بحث  
مسائل سیاسی ، اجتماعی ، حقوقی  
فلسفی ، جنگجوی خوانندگان  
را برانگیزد و حتی حقوق هنری  
آنان را سیراب کند ، خالی بود  
در ایران روزنامه های زیاد  
است ولی روزنامه ای که تا به  
مسائل مطبوعه و جریبان زدگند و  
سیاست روز نماید و بدوام  
بات مرام خود و به تشخص و  
فشارت خوانندگان ، احترام و ارزش  
دین شود بسیار کم و معدود  
است .

ما هیچ وجه ادعا نمیکنیم  
که جای وسیع مطبوعات خالی را  
و کرده ایم ولی خوانندگان خود  
ایمان میدهم که بانکچه به حق  
دستی و اعتماد بپردازد و هر که  
نکته بستاند مبدع متصرف نشود  
و برای انعام و مایه غبطه ای که چپه  
گرفته ایم قصور نوزید روش ملل  
این است که  
اولاً با طرح مسائل اجتماعی  
باید درس

چیت کرگوش چپه ای  
با زتا تیر خند ملک کنیز  
گاه از بیم و هراس کنیز  
چیت کرگوش چپه ای  
با زتا تیر خند ملک کنیز  
گاه از بیم و هراس کنیز

## آبونی

شاه ها گرد و سوزان گردد ؟  
شاه حال اند و بی جان گردد  
ز آچه کرده است پیشان گردد  
سر بسپان زده دیرا نه شود  
خجل از ساد و بیبانه شود  
فارغ از غمزه با نسا نه شود  
پیش در



# انتخابات آزاد رکن اساسی مشروطیت است

۱۳۰۵ هـ و مضافه کارندی ملت ایران را بگوش جهانیان رسانیده . انتخاباتی آزاد بود ولی این « آزادی » بهیچوجه کافی نبود و برای استقامت و تقویت این رکن اساسی کوششهای ملی بیشتری بکوتاه بود .

موانع که به دست و پا می رسید و به سبب این استبداد و اشرافیت مطلق و مصادف شدن این شرایط با شرایطی که در آن زمان در ایران وجود داشت و ملت و ملت « دل خوشی نداشتند و تمسیم گرفتند چرخ دسکاه مشروطیت را که بقیه آنها را پیش رفته بود بقت برگرداند » میاست خارجی نیز از « اشراف و پادشاه روی » مشروطه خواهان بوشت افتاده بود و وقتی پای ولیعهد برین خود را در ایران بریدند به پیشانی آسوده بکلیک موانع سبانه و داخلی شتافتند چرخ معطم آزاد و امان ایران غلب کرد داد مرکتین و مسین اصلی این خیانت تاریخی هنوز هم زنده اند و از ملت توقع دارند که کرسی « صدارت عظمی » و « ولایت اعلی » بایشان تقدیم کند - زمینه بر هر چه و موج را برای ظهور « دیکتاتور مقتدر » آماده کردند و از میان کرد و خاک ناشی و شرارت « یک نازمیدان سیاست » را بر سر دست بلند کردند و بر ازبک « کبان » شاندانه تا دیگر ملت از این فتنه ها بترسند و « نمایند » مجلس نترسند - از آن پس شما بهتر میدانید چه شد و « مردم » در انتخابات نماندند تا به حد « آزادی » داشتند و اشراف این حد بحدی هالک گردیدند که وقتی دکتر مصدق استاده داخله دولت دیکتاتوری را روی میز شورای امنیت ریخت نمایند « انگلیس » بخواه و از فریاد زد ، « اینجا خارج از موضوع است »

## پس از شهریور ۲۰

و نمایندگان ملت یکی پس از دیگری مسوم ، خفه ، تر و رشتند بلکه جنایت بزرگتری صورت گرفت یعنی دولت خود را ملی و میهنکاری خود را بر لای « مشروطیت » احوال میکرد . بظاهر مجلس بود و رای « ملی » ولی در پان سیاستمداران استبداد حاکم و رای داشتند و بهین مناسبت آن دوره درخشان را « صندره بهتر زهد باستان » نامیدند . طوفان شهریور ۲۰ تمام آن دستکاه پرفانی را بپاد داد و دو باره صحت از « آزادی » و « انتخابات » آزاد « میان آمد ولی همان سنی که از وقت مشروطیت چلو گیری کرد همان سنی که برای ملت دیکتاتور ترفید ، همان سنی که « انتخابات آزاد » را بصورت خواب و خیالی جلوه داده بود ، از آتشین بیرون آمد و ملو مردم را گرفت ؛ سیاست رشت داور انگلیس بیکه آبادی فاسد « صلاح نبود است این آرزو جامه حل پوشه » در انتخابات دخالت کرد و بفرست هم دستور داد دخالت کند و سنی مانتد گریه و بانگر سر برنگرد و قیام شالی نهاد تا هر طور مصلحت بداند صندوق های آراء را بفتح خود کامل کند .

چنگ بود و مصالح دولت معطم ایجاد میکرد که دست بهر خیانت و جلاطی میالاید - هیئت حاکمه باین بهانه مردم را خاموش میکرد ، بازم کسی که خون دل خورده و چنگ نگیرد و هیچ نمیتوانست بگوید ملت بود تحت این شرایط مجلس چه دردم بوجود آمد - در دوره بار دردم موضوع صورت و قیام تری بخود گرفته « نویسنده قانون اساسی » حزب دولتی تشکیل داد و روی هیئت و هیئت و فرنگو را « کرد انتخابات آزاد بود ولی نه برای اعیان و طبقات خاص - بگفته و در چویدگان انتخابات آزاد باغیوالی شکست مواجه شدند و لی این شست با عقب نشینی های قلی مرز داشته اگر در دقه قبل « مصالح عالی دولت معجوار » آزادی انتخابات را بایمان میکرد این دقه هیچ موجب جز خیانت باصل لازمالاجرای قانون نمیتوانست این حق ملت را از مردم ببرد کند .

در دوره شانزدهم مردم بیدار شده بودند ولی خائنین هم خوب بودند با جرات و قناعت يك شبه دیکتاتوری مسخر ایجاد کردند و با قیام ترین و دقت ترین اقدامات با حق معمر مردم را غصب نمودند ؛ بچیر کردن انتخاب کنند ، هوش کردن صندوق ، تعدیل وکیل دولتی ، غیبه شب بازی در تشکیل انجمن نظارت ؛ هوشی خواندن اجامی با قیام ترین و چا و مسخر ترین صورت جای انتخابات آزاد را گرفتند

پس عقیده خطرناک هوشیاران را به بهت فرو برده بود و در نتیجه ملت از آزادی نسبی برخوردار گردید در تمام دوره های دیگر چهره بچنین مداخله بیادین و برنگهای مغفلان نبود است

## امید و آرزو

تمام روسای دولت ها قول داده اند و ملی و مها « ملی » و ابلاقیه « مردم را مطمئن کرده اند که در انتخابات دخالت نخواهند کرد ولی میندا دخالت کرده اند - اینک بار دیگر ملت ما در آستانه انتخابات قرار گرفته است -

در اینجا از ذکر این نکته ناگزیریم که موانع خان و وابادی بیگانه از همه طرف سعی میکنند حق مسلم انتخاب نماینده را از مردم سلب کنند و با لاف اشرافیت در نظر ملت بکانه ولی ما صریحا اعلام میکنیم که انتخابات آزاد رکن اساسی و پایه اصلی مشروطیت است و نتوانی اجرای صحیح و کامل این حق برای ملت تأمین نشده است ذکر کلیات مشروطیت و آزادی و دموکراسی مسخره خواهد بود - دشمنان ملت در تقیبت نقشه بیکارانه خود فریاد میکنند ؛ در ایران انتخابات آزاد عالی نیست مردم رشد سیاسی ندارند ، نمیتوانند وکیل حقیقی خود را معین نمایند اگر این زوزه خیانت آمیز فقط اعتماد بزرگان داشت ما زحمت قتل و قتل و قتل را بر خود هموار نمیکردیم ولی متأسفانه این زمره ناهنجار کم از سرچشمه اصلی خود باطراف نفوذ میکنند و بهین مناسبت لازم است منظور خود ساز کنندگان این عده را غاش سازیم - این اشخاص از يك مقدمه صحیح نتیجه غلط میگیرند - درست است که ملت ایران با هزاره مردم سوس و سوسو شده سیاسی و اجتماعی ندارند و لی این نیز صحیح است که ملت سوس و سوسو شده امروز رسیده اند این موضوع را هم باید قبول کرد که اگر چند دوره انتخابات آزاد باشد ملت ما هم بهین راهی که متداین جهان میرونه خواهد رسید تا کفون اکثریت مردم بملت اعتراض بدخله دولت و بملت مبارزات اجتماعی در این امر خطیر شرکت نکرده - دولت فعلی با تأمین آزادی انتخابات « می تواند بایس مردم خائنه واده افشاری ما نابهره حاصل کند - ما متعهدیم که تنها انتخابات آزاد ممکن است بلکه وظیفه اساسی دولت نمایانم که رساله اجرای این حق را برای ملت تأمین و تضمین نماید - انتخابات آزاد هر چه باشد از نتیجه انتخابات دولتی بهتر و بصلاح اجتماع زودیکتر است

از صندوق بیرون نیاورد و شما متخلین احتمالی را بتسلیم دستکاه قضائی کشور بایند - ۵ - برخلاف دوره های گذشته ، منظور عدم دخالت مأموران ، از قتل و اختاپای کارمندان دولت خودداری کند و در وقت انتخابات از نظایر اینگونه اقدامات که مردم را بشدت متشکوک و مضطرب میسازد امتناع ورزد - ۶ - دولت از حمایت طرفداران این الوقت و مصلحت کار خود بهی صورت خودداری کند البته موارد فوق حداقل مقصود است و لوهاست و اگر دولت بسوزد ملت باشد میتواند و انشاء آزادی انتخابات را از جهات دیگر نیز تأمین نماید - متأسفانه ویرا بعضی شروع انتخابات پیشی موصیحه بده و بهت های احتمالی خود را انجام داده اند صحیح نیست و بهتر است مردم ساده دل و زود باور را به بی نظری اولیاء امور مطیع میسازد - این بود آنچه دولت باید انجام دهد و این بود موافقی که در راه آزادی انتخابات موجود است و باید بر طرف ساخت -

ببینی اسم « مترفع ساعتان این انجمن های نظار و با حضور نمایندگان حقیقی مردم تشکیل دهند و از جمع و جور کردن « محل خانواده گوی » بجای انجمن قانونی خودداری کنند در این قسمت تنها حضور دستورالکمی نیست دولت باید در اجرای آفت نظارت کند و متخلین را تسلیم مساکه و مجازات نماید - ۴ - مردم اجازه دهد در کار خوانندگان آراء و مضافی صندوق نظارت کنند تا دیگر آراء حق بنام چنین خوانده نشود و دیگر ناغاس با « هزارها » وای ۱۱ سر

ببینی اسم « مترفع ساعتان این انجمن های نظار و با حضور نمایندگان حقیقی مردم تشکیل دهند و از جمع و جور کردن « محل خانواده گوی » بجای انجمن قانونی خودداری کنند در این قسمت تنها حضور دستورالکمی نیست دولت باید در اجرای آفت نظارت کند و متخلین را تسلیم مساکه و مجازات نماید - ۴ - مردم اجازه دهد در کار خوانندگان آراء و مضافی صندوق نظارت کنند تا دیگر آراء حق بنام چنین خوانده نشود و دیگر ناغاس با « هزارها » وای ۱۱ سر

از : عبد الله

## در مذاجات ملک الانجلیز

خدا یا نقت وقت و کمال ، یا مال شد - ملحقشوران امروز افتادگان در روز نه و برپا و ان بیروز - دشمنان در طرب و دوستان در سوز ؛

میسند ای خدا که ایرانی - عزیز از خاک قزو جان کرد کیرد از دست ما زمام امور - شاهد نفت در میان کیرد خدا یا کله ( ملی ) بر انداز که لغتی نا ساز است و نشا آژ - موجد نیاز است و وصیلت کشمکش دواز -

اگر ایرانی ذلیل شده - صاحب دخت و آب و ناله گریه کلک انگلیسی ها کنده است - نام ما معوا از جهان کرد بار اها ا قومی بفرهنگ عزم ما کردند و فشیه عبرا سنک زند و غرونی عظیم فرا چنگ آوردند - عرصه بر سر قوم تنک ساختند و مفاخر چهار صد ساله ایشان هدف خد ناک جنگ ترسیدند و نه از بیرنگ - چندان که لیره های شکست رخ آخو بان شوخ و شنک و خرا فان جنگ را پای تد بیر لک آخو حالی نه مجال گزیر است نه جای درنگ خنای ما بی رنگ و قارور های امید بر سنک - نام مادر معری تنک ماجرا جو بان زرنگ و جاسر مال دینک و مستون پنجم سنک و شیر بریشا با سحر به رویه افرا گزینش بشکند درنگ - درنگ -

ای کرسی که از وصال چنگ - بندگان را تنگ دا دی و تیر بسب های مهیب هید و زنی - آفریدی ز قد و ت نه بر حربه ای تازه آفرین که مگر - نکرها و احکمش در زنجیر چتر با زان مرعوب - ناوها مغلوب - ( کار شناسان ) متکر طرفداران سرکوب - نقت در وضعی نا مطلوب - همه در آشوب - بازار سیاست کین نامرغوب و زیر پای ماجر ووب ؛

میسند ای خدای من که شود - نام ( مستر ) از این جهان معذور گر که ویرانه ها شود آباد - در کجا آخیان کنگه این بوم ای ها لم بالسر و التفیات ؛ وای خالق کائنات توانی که زانو از خون حیوانات رشد گیرد و ( استعمار ) از غارت موجودات همچنان که زانو را آن مر مستحکم است مر مرا این حق مسلم از تو خواهم که وایت گرد نکشی بر سر آری و ما را دلیر سازی با بلو دیگر به نیروی شیر گیر فلان امیر و بزرور فلان وزیر مترو را امیر و شرقیان را در زنجیر سازیم تا کفران نصت و نیکو نکنند و شمشیر بر ولیمت دیرین نکشند -

کردگارا ، تو کار ایرانیان و مصریان بساز تا آن يك خون من نخورد و این يك وک من نبرد - باقی را خواه دانم که هنوز مثال عراقیانم در دست است و آل عثمان از باده حماقت سر مست - چرچل را فرمایم تا ایشان را بساز ما بر قضا ند که نو کرانی جیاتند و میدان مرا پاسبان و محکم مسرا تنکها و گوش هوش بر فرمان قبا ی آلاه و بکنان کندهان -

۱ - قاروره اندر لغت شیشه را خوانند

## چاپخانه راه نجات

خواهند کرد که با « حزب دموکرات ایران » گردند یا بجهان اجتماعی آنها آگاهتر و بیدارتر شده است بادر نظر داشتن این نکات ؛ با اطمینان باینکه انتخابات آزاد بهر صورت و بهر شکل که باشد از تعدیل فلان و بهیمان بهتر است از بیداری می خواهیم که مردم را آزاد بگذارند







